

مناظره دو کارگر

(بخش دوم)

وضیعت سیاسی و وظایف کنونی کارگران پیشرو

کارگر پیشتاز انقلابی: با توجه به تحولات اخیر که در جنبش کارگری رخ می دهد؛ وظایف فوری ما کارگران چه باید باشد؟

کارگر پیشرو سنتی: چه تحولاتی اخیراً رخ داده است؟

کارگر پیشتاز انقلابی: همانطور که مطلع هستی در مهرماه امسال هیئت نمایندگی سازمان بین المللی کار (آی ال او) بار دیگر به ایران آمد و اینبار با «وزارت کار ایران» به توافقنامه جدیدی رسید؛ که امضای «کنفدراسیون انجمن های کارفرمایان ایران» و «خانه کارگر» را نیز شامل می شود. نکته مهم این توافقنامه این است که بر خلاف توافق سال پیش، اکنون «آی ال او» می پذیرد که شوراهای اسلامی، با تغییراتی در قوانین و آیین نامه ها، شرایط مطروحه در مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ «آی ال او» را برآورده می کند. به این مفهوم که از این پس از نظر «آی ال او»، شوراهای اسلامی و خانه کار می توانند در مرکز ایجاد سندیکاهای کارگری قرار گیرند. به این ترتیب دولت ایران مهمترین شرط مورد نظر «آی ال او» را اکنون تأمین کرده و «آی ال او» در موضع سال پیش خود که شورا های اسلامی و خانه کارگر را در حاشیه قرار داده بود؛ تجدید نظر کرده است. به سخن دیگر «آی ال او» که قرار بود با توافق اصلاح طلبان (حزب مشارکت اسلامی) «سندیکای مستقل» در ایران تأسیس کند؛ پس از کنار گذاشتن «اصلاح طلبان» در انتخابات اخیر مجلس هفتم؛ وارد معامله و توافق با جناح راست دولت شده است. این یک تحول مهمی است که رخ داده و مسلماً تأثیراتی در روند جنبش کارگری خواهد گذاشت.

کارگر پیشرو سنتی: این که واقعه جدیدی نیست؛ ما همیشه به ماهیت «آی ال او» آگاه بودیم و می دانستیم که دست آخر با دولت کنار می آیند. ما می دانیم که به رسمیت شناخته شدن شوراهای اسلامی از جانب سازمان جهانی کار وقفه ای در مبارزه ما برای ایجاد تشکل های واقعی مان ایجاد نمی کند. ما کارگران ایران میدانیم که باید به نیروی مبارزه خودمان تشکلهامان را بسازیم و نگاه داریم و موجودیت آنرا به دولت و صاحبان سرمایه ایران بقبولانیم. در این مبارزه طولانی البته روی نیروی همبستگی کارگران کشورهای دیگر حساب میکنیم. ما برای کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری آزاد که یکی از سه رکن سازمان جهانی کار است نوشتیم که "باید از حق ما برای ایجاد تشکل در ایران دفاع کند و به تفاهم نامه اخیر سازمان جهانی کار رضایت ندهد." وظایف ما همان بود که قبلاً هم انجام می دادیم.

کارگر پیشتاز انقلابی: همقطار گرامی منم با این مطالب توافق دارم؛ اما سوال من از شما اینست که آیا تمام کارگران به این مسائل آگاه بودند؟ و آیا همه کارگران اکنون که اهداف «آی ال او» روشن شده است؛ مسایل را درک کرده اند؟ آیا واقعاً شما تصور می کنید که اگر این «سندیکا» فرمایشی تأسیس گردد کارگران در آن شرکت نخواهند کرد؟ اگر چنین بود پس چرا «هیأت موسسان سندیکاهای کارگری» در تیرماه ۱۳۸۲ به وزیر کار نامه نوشته بود و از امضای مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ «آی ال او» تشکر کرد. در واقع بخش قابل ملاحظه ای از کارگران نسبت به «آی ال او» دچار توهم بوده و هنوز هم هستند (البته به تازگی «هیأت موسسان سندیکاهای کارگری» به توافقات اعتراض کرد). این امر نشان دهنده ناروشنی در میان کارگران است. شما به عنوان کارگران پیشرو؛ آگاهی خودتان در مورد مسایل را نباید به کل طبقه کارگر تعمیم دهید. اگر چنین کنید منزوی شده و میدان را نهایتاً بدست دیگران و گرایشات راست می سپارید.

دوست گرامی؛ کارگران فقط در عمل و انجام یک سلسله اقدامات کارگری است که در مورد مسایل اجتماعی آگاهی کسب می کنند. ما به عنوان کارگران پیشرو باید زمینه فعالیت های را برای کارگران فراهم بیاوریم. نامه نگاری های به سازمان های بین المللی و اعتراضات بین المللی در دفاع از کارگران همه خوبند؛ اما کافی نیستند. تا زمانی که کارگران دور هم متشکل نشوند؛ کاری مهمی صورت نمی گیرد.

کارگر پیشرو سنتی: دوست عزیز تو مثل اینکه در جریان نیستی. فعالیت صورت گرفته؛ بخشی از کارگران اطلاعیه در دفاع از مبارزات کارگری صادر می کنند. نشریه کارگری انتشار داده می شه و مصاحبه با کارگران در مورد دردهایشان صورت میگیره. این نشریات و اطلاعیه را کارگران می خوندند و آگاه می شن. همه اینها وظایف کارگران پیشرو است که داریم انجام میدیم.

کارگر پیشتاز انقلابی: همقطار گرامی در جریان هستم و تمام مطالب را می خوانم. اما بحثم اینست که این کارها گرچه کارهای مثبتی هستند اما بهیچوجه کافی نیستند و مسئله ما کارگران را حل نمی کند. مسئله اینست که کارگران باید رهبران عملی خود را حس کنند و قدم به قدم در مبارزات روزانه شان راه حل ها و رهنمودهای مشخص و مرتبط از آنها دریافت کنند. انتشار یک یا دو نشریه کارگری (سه چهار بار در سال) با مصاحباتی که هیچ رهنمود عملی نمی دهد؛ دیگر کافی نیست. امروز وضعیت تغییر کرده. تحولات سریع رخ می دهند. دولت سرمایه داری با دول غربی به توافقات رسیده و «آی ال او» با همکاری دولت در حال ایجاد سندیکای کارگری است. رهبران خانه کارگر (علیرضا محجوب)، کانون عالی شوراهای اسلامی کار (حسن صادقی) این روزها برای به کنترل در آوردن جنبش کارگری مطالبات کارگران را با عوامفریبی طرح میکنند تا از حرکت های مستقل کارگری جلوگیری کنند؛ و رهبری جنبش کارگری را بدست گرفته و به بیراهه بکشند. ترتیب تجمعات ۲۹ آبان در اکثر شهرهای ایران به ابتکار خانه کارگر چنین اهدافی را دنبال می کرد.

برای نمونه بنا بر گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، «حسن صادقی»، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در ۲۹ آبان در مقابل کارگران می گوید: "کارگران به هوش باشند؛ اگر بحث اعتصاب مطرح می شود، بدانند که اعتصاب، حقوقی اکتسابی است و باید برای دستیابی به آن تلاش کرد، هیچ حقی را به مظلوم نمی دهند، مگر آن که مظلوم قدرت بگیرد و حق خود را از ظالم بستاند؛ قانون کار ایران ابزار استیفای حقوق از دست رفته کارگران است، اما نظام سرمایه داری مدرنیته این قانون را مانع اجرای سیاست های خود می داند و درصدد حذف آن است؛ قانون تمامی اجتماعی در جهت حمایت از نیروی کار وضع شده و سرمایه داران در صدد قربانی کردن آن هستند..... متأسفانه جامعه کارگری در چند سال گذشته دچار نوعی عقب گرد شده و اتحاد و انسجام را به فراموشی سپرده است؛ در حالی که کارفرمایان و مدیران صنعتی به شکلی متحد درآمده و شاهد یک پارچگی آنان در بخش کارفرمایی کشور هستیم".

صادقی در خاتمه اعلام کرد: "به مجلس، دولت و کسانی که دست اندرکار فراهم آوردن زمینه های حذف قانون های حمایتی هستند، هشدار می دهیم که کاسه صبر نیروی کار در حال لیریز شدن است و عناد بیش از این با کارگران و محدود ساختن قوانین کار، قطعاً با واکنش ها و عواقب ناگواری همراه خواهد بود."

این سخنان «رادیکال» متکی بر مطالبات خود کارگران در وضعیتی که پیشروی کارگری محافظه کارانه دچار روزمرگی شده؛ تأثیرات خود را میان کارگران خواهد گذاشت. کارگران در جستجو رهبری برای طرح مطالباتشان هستند و در غیاب کارگران پیشرو فعال و قاطع، به سوی نمایندگان کارگری دولتی (صادقی ها و محجوب ها و کمالی ها) خواهند رفت، هر چند آنها را خوب بشناسند.

کارگر پیشرو سنتی: یعنی می گویی کارهای ما کارگران پیشرو همه بی ارزش بوده و ما پس معرکه ایم؟

کارگر پیشتاز انقلابی: نه من نمی گویم شما در دوره پیش از خود گذشتگی نشان نداده اید؛ و هنوز هم در پی کارهایی که در خدمت کارگران هست، نمی باشید. شما دوستان در دوره پیش نقش بسیار ارزنده ای ایفا کردید. زمانی که هیچکس مطالبات تشکل های مستقل کارگری را طرح نمی کرد؛ شما چنین کردید. اما امروز از زمان عقب افتاده اید (ببخشید رک صحبت می کنم). البته هنوز فرصت کاملاً از دست نرفته است. می توانیم برنامه ریزی کنیم و کارگران را برای تشکیل تشکلات مستقل خود آماده کنیم. برای اینکار نخستین اقدام برش از فرقه گرایی و قیم مآبی است. ما کارگران پیشرو باید درک کنیم که قیم کل کارگران نیستیم. به جای آنها نباید نشریه انتشار دهیم و عقاید فرقه خودمان به نام کارگران را به آنها حفته کنیم (همانطور که سازمان های سنتی در دوره پیش کردند). باید کارگران جوان را در فعالیت ها و تصمیم گیری ها شرکت دهیم. برای سازماندهی تشکل های مستقل کارگری باید یک اتحاد عمل تدارک بینیم و کارگران جوان فعال را در آن درگیر کنیم.

کارگر پیشرو سنتی: زیادی تند نرو! دوست عزیز مثل اینکه تو در کارخانه نیستی و نمی دانی که در اینجا خفقان وجود دارد و ما را برای کوچکترین کاری دستگیر می کنند و روانه زندان می کنند. آنوقت جواب خانواده مان کی می ده؟ ما باید کمی محتاط باشیم و بی گذار به آب نزنیم. همه چیز آرام آرام درست می شه.

کارگر پیشتاز انقلابی: ببین دوست گرامی خوب به ماهیت دولت سرمایه داری آشنایی دارم. درست میگی اختناق هست اما برای رهایی طبقه کارگر، پیشروان کارگری ریسک هم باید بردارند. اگر قرار باشد با زمان جلو نرویم که دیگر پیشرو نیستیم. اگر قرار باشد که رهبری جنبش کارگری را با بی عملی دو دستی به صادقی ها و محجوب ها تحویل دهیم و در انظار کارگران از آنها عقب تر باشیم که دیگر کارگران نیازی به رهبران عملی مانند ما ندارند. پیشرو بودن ما در این است که قدم بعدی مبارزاتی کارگران را برای توده کارگر ترسیم کنیم و آنها را به سمت کسب اعتماد به نفس برای استقلالشان از دولت سرمایه داری رهنمود دهیم. اگر این کار را بخاطر محاسبات امنیتی یا ندانم کاری (یا هر بهانه دیگر) انجام ندهیم دچار فرصت طلبی میشیم. و کارگران را به طرف گرایش های مماشات جو هل میدیم.

اضافه بر این ما باید با یک چشم انداز روشن از وضعیت کنونی، گام های بعدی را محاسبه کنیم. اگر دولت به علت بحران اقتصادی تحت تأثیر سرمایه داری جهانی مجبور به سلسله عقب نشینی ها می شود؛ ما باید همانقدر موقعیت خودمان را به جلو تثبیت کنیم. ارزیابی ما اینست که دولت به علت ملاحظه آذهان عمومی جهانی قادر بر سرکوب مانند دوره پیش نیست (عقب افتادن دادگاههای سقر این نکته را به روشنی نشان می دهد).

پس موقعیت ما در حال تغییر از یک وضعیت تدافعی به یک موقعیت تهاجمی است. البته هنوز راه بسیاری درازی را باید طی کنیم. کماکان این روند آغاز شده و ما خودمان را باید با آن منطبق کنیم و نمی توانیم تنها حرفهای چند سال پیش را بر اساس موقعیت دوره قبل تکرار کنیم.

فرقه گرایی (حذف مخالفان سیاسی درون جنبش کارگری) جلوی یک اتحاد عمل وسیع کارگری را می گیرد. فرصت طلبی و بی عملی؛ رهبری جنبش کارگری را به دست رهبران ماشاات جو می دهد. ظرافت کار ما باید متکی بر وضعیت کنونی، کشف قدم بعدی باشد و از فرقه گرایی و فرصت طلبی پرهیز کنیم – البته با حفظ مسایل امنیتی.

کارگر پیشرو سنتی: واقعا فکر می کنی ایجاد اتحاد میان کارگران به همین آسانی است؟

کارگر پیشتاز انقلابی: نه آسان نیست. اما این تنها راهی است که ما در مقابل خود داریم. همینطور که می دانی، دادگاه فعالان کارگری در سقر به دنبال شرکت آنان در اول ماه مه صورت گرفت. چون که شرکت کارگران مستقل در نشست ها، تجمعات و گلگشت های اول ماه مه برای صاحبان سرمایه بسیار گران تمام شد. از اینرو آنها تصمیم به دستگیر کردن شرکت کنندگان در سقر گرفتند. قصد اصلی تشکیل دادگاه سقر نیز از عاب کارگران شرکت کننده در اول ماه مه بوده است.

ما برای سازماندهی خود در یک اتحاد عمل نیاز به گفتگو و تبادل نظر داریم. چه بهتر از اینکه جمعه اول هر ماه را برای سازماندهی فعالیت ها و تبادل نظر همانند اول ماه مه بدور هم جمع شویم. تجمعات و گلگشت های کارگری را در این روز در حمایت از کارگران سقر سازمان دهیم. بگذاریم که صاحبان سرمایه بدانند که کارگران را نمی توانند ارباب کنند.

فراخوانی به نشست ها، گلگشت ها و تجمعات را می توان به آسانی انجام داد. بگذاریم کارگران در هر جا که هستند دور هم جمع شوند و در مورد تشکلات مستقل کارگری و نقش «آی ال او» و دولت سرمایه داری با هم آزرانه بدون قیم و آقا بالا سر گفتگو کنند. از اینکه کارگران دور هم جمع شوند و اهمه نداشته باشیم. و موقعیت خود را در خطر نبینیم. کارگران خود رهبران عملی خودشان را در عمل شناخته و انتخاب می کنند.

نتیجه این گردهم آبی ها می تواند به تشکیل یک اتحاد عمل کارگری "اعلام نشده"؛ مبدل شود. فعالیت ها می تواند به همین ترتیب هماهنگ شده و در هر تجمع کارگری هیئتی برای هماهنگی کارها تا نشست بعدی می تواند توسط خود کارگران انتخاب شود. این هیئت ها بهتر شکلی که صلاح می دانند می توانند با هم فعالیت ها را هماهنگی کنند. به نظر من وظیفه فوری ما در وضعیت کنونی اینهاست.

مهدی ریاضی

mehdi_riazi@hotmail.com

۱۷ آذر ۱۳۸۳

<http://iwsn.topcities.com/RIAZI/index.html>